

مجازاتهای بازدارنده در قوانین کیفری

مقدمه:

بموجب قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مجازاتها برحسب نوع جرائم به چهار نوع تقسیم شده بود:

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات

در قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸ قانونگذار علاوه بر مجازاتهای فوق، نوع پنجمی بر مجازاتهای مزبور افزود تحت عنوان «مجازات بازدارنده بدون اینکه تعریفی از آن بدست دهد شاید بهمین علت بود که این مجازات مورد توجه محاکم جزائی قرار نگرفت تا اینکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ضمن ماده ۱۷ به تعریف و ذکر مصادیق این نوع مجازات پرداخت. بموجب ماده مزبور: مجازات بازدارنده تأدیبه یا عقوبتی است که از طرف حکومت بمنظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از

مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.

بررسی اینکه بدانیم مقصود قانونگذار از ابداع این مجازات چیست ناگزیر به توضیح مختصر در مورد هر یک از مجازاتهای چهارگانه دیگر هستیم تا بدانیم آیا مجازات جدید از نوع همان مجازاتهای سابق است یا نوع جدیدی از مجازات می‌باشد.

الف - حد: در لغت بمعنی دفع و منع است^(۱) و در اصطلاح جزائی عبارت از مجازاتی است که شارع برای بعضی جرائم مشخص نموده و قاضی با احراز شرایط نمی‌تواند به کمتر یا بیشتر از آن حکم نماید مانند حد قذف (نسبت دادن زنا یا لواط) که بموجب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مستوجب هشتاد ضربه شلاق است.

ب - قصاص: در لغت بمعنی پی‌گیری اثر و ردیابی است^(۲) و در اصطلاح جزائی مجازاتی است که شارع برای ارتکاب قتل و جراحات عمدی مشخص فرموده و مجنی‌علیه یا ولی او حسب مورد میتواند مرتکب را در مورد قتل عمدی به قصاص برسانند و در مورد جرح عمدی، همان جرح بر مرتکب وارد میشود به شرطی که با آن برابری کند مانند قصاص قتل عمد موضوع ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی و قصاص عضو موضوع ماده ۲۶۹ همان قانون.

ج - دیه: در اصل لغت و دی بوده است که با حذف حرف «و» در ابتدای کلمه در انتهای آن «ه» آورده‌اند و از نظر لغوی: مالی است که بدل از نفس بوده و به ولی مقتول داده میشود^(۳) و از نظر جزائی: مالی است که به مجنی‌علیه یا ولی او

(۱)- اقرب الموارد - ذیل ماده حد.

(۲) و (۳) - همان مرجع - ذیل ماده قص و ودی.

حسب مورد بموجب قانون با توجه به آثاری که فعل مجرمانه اعم از ضرب و جرح و قتل وارده کرده است پرداخت میگردد. مانند دیه ایجاد خراش در سر و صورت (حارصه) که بموجب بند يك ماده ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی يك شتر يا $\frac{1}{100}$ ديه كامل است.

باتوجه به تعاریف فوق مشخص می‌شود مجازات‌های مندرج در بندهای الف تا ج جزء مجازات‌های ثابت هستند یعنی قاضی نمی‌تواند با احراز شرایط قانونی به کمتر یا بیشتر از آنچه شارع فرموده است حکم دهد.

د - تعزیر: از ماده عَزْر يعزُر است که به باب تفعیل برده شده و از نظر لغوی بمعنای ملامت، تأدیب و ضرب پایین‌تر از حد آمده است (۱) و به معنای بزرگداشت و تکریم نیز آمده است که در این مقاله معنی اول مورد نظر است از نظر فقهی امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله تعزیر را بدین‌گونه تعریف نموده‌اند.

هرکس یکی از واجبات را ترک کند، یا یکی از محرّمات را مرتکب شود بر امام علیه‌السلام یا نایب او است که ویرا به کیفر تعزیر برساند. بشرطی که ترک واجب یا فعل حرام از گناهان کبیره باشد. (۲)

در این راستا ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی «تعزیرات» تأدیب یا عقوبتی میدانند که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقدی، شلاق که میزان شلاق بایستی از حد کمتر باشد. مانند مجازات‌های مصرحه در قانون تعزیرات و مجازات‌های منعکس در قوانین دیگر برای مثال ماده هفت اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ مجازات

(۱) - مرجع پیشین ذیل ماده عَزْر.

(۲) - آیت‌الله خمینی - تحریرالوسیله، کتاب حدود، فرع پنجم صفحه ۴۷۷.

صادرکننده چك بی محل را شش ماه تا دو سال حبس و جزای نقدی معادل $\frac{1}{4}$ مبلغ چك یا $\frac{1}{4}$ کسر موجودی هنگام ارائه چك به بانک تعیین کرده است. تعزیر برخلاف مجازاتهای حدود و قصاص و دیات مجازاتی نسبی است یعنی غالباً دارای حداقل و اکثر بوده و قاضی جزائی میتواند با توجه به وضع مجرم و اوضاع و احوال خاصی که زمینه ساز ارتکاب بزه شده است مجازات لازم را تعیین کند.

هـ مجازات بازدارنده: فصل اول از باب دوم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در مقام ذکر مجازات‌ها، نوع پنجم از آنها را مجازات بازدارنده ذکر کرده و برغم ذکر مجازاتهای پنجگانه فوق، اقدامات تأمینی و تربیتی را تعریف نموده و اعلام نکرده کدامیک از آنها اقدام تأمینی و تربیتی است. برای روشن شدن مطلب بی‌فایده نیست گفته شود اقدامات تأمینی و تربیتی تصمیماتی هستند که مقامات صالح قضائی برای از بین بردن زمینه ارتکاب مجدد جرم، توسط مرتکب اتخاذ نمایند. ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ آنها را به شش مورد زیر منحصر دانسته است.

۱- محرومیت از تمام یا بعضی حقوق اجتماعی.

۲- اقامت اجباری در محل معین.

۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین.

۴- محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و الزام

به انجام امر معین.

۵- بستن مؤسسه.

۶- محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت.

قسمتی از این امور با نسخ ضمنی ماده فوق در ماده ۱۷ قانون مجازات

اسلامی بعنوان مجازات بازدارنده ذکر شده مثل تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین، از طرف دیگر در ماده ۱۹^(۱) همان قانون سه مورد از آنها مجدداً بعنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده آورده شده است باین معنا که محرومیت از حقوق اجتماعی، اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از آن هم در ماده ۱۷ ذکر شده و هم در ماده ۱۹ بدون اینکه وجه افتراق آنها مشخص باشد بعبارت دیگر قانونگذار سه مورد اخیر را یکبار بعنوان مجازات اصلی، و بار دیگر بعنوان تتمیم حکم تعزیری آورده است و این صحیح بنظر نمی‌رسد.

علاوه بر اشکال فوق که بر مواد ۱۷ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی وارد است

مسائل زیر نیز قابل بررسی است:

۱- باتوجه به صدر ماده ۱۷ مورد بحث قانونگذار مجازات بازدارنده را تعقیب یا عقوبتی میدانند که از طرف حکومتی تعیین می‌گردد، استفاده از کلمه حکومت بر ابهام ماده افزوده است زیرا میدانیم مراد از اصطلاح حکومت مجموعه قوای مقننه - قضائیه و اجرائیه است و ممکن است این سوء تفاهم پیش آید که قوای مجریه و مقننه نیز میتوانند اشخاص را بعنوان تعیین مجازات، تحت تعقیب قرار دهند که چنین برداشتی مخالف صریح اصل سی و ششم قانون اساسی است. بنظر می‌رسد با توجه به تعریفی که از تعزیر در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی آمده است منظور از حکومت همان حاکم یا قاضی محکمه باشد که ماده از این حیث قابل اصلاح است. حال باید ببینیم با برداشت اخیر یعنی اینکه قاضی بتواند رأساً مبادرت به صدور حکم به مجازات بازدارنده نماید از نظر اصول

(۱)- ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ دادگاه میتواند کسی را که به تخلف ارتکاب جرمه عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا باقامت در محل معین مجبور نماید.

قضائی راه درستی پیموده شده است یا خیر. یکی از اصول حقوق جزا که مورد قبول سیستم‌های مختلف جزائی از جمله سیستم جزائی کشور ما میباشد اصل قانونی بودن جرم و مجازات است و براساس آن عملی بعنوان جرم تلقی میشود که قانونگذار برای آن فعل مشخص، مجازات خاص تعیین کرده باشد مانند صدور چک، کلاهبرداری و غیره این قاعده در اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین بیان شده است.

«حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و بموجب قانون باشد»

و بموجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب میشود که مفهوم مخالف آن اینست هیچ فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد جرم نیست.

فلسفه و علت وضع چنین اصل‌ی اینست که افراد جامعه باید قبلاً بدانند چه عملی منع شده و چه مجازاتی برای ارتکاب آن در نظر گرفته شده است. بعبارت دیگر وجود هر جرم و مجازاتی، مستلزم وجود يك نص قانونی است، از نظر حقوق اسلامی نیز برای اثبات این اصل به قاعده قبح عقاب بلا بیان تمسک جسته‌اند و براساس این قاعده «عقل بر عدم صحت کیفر برمخالفت تکلیف بدون بیان تکلیف دلالت^(۱) دارد.» بنابراین از نظر حقوق اسلامی کیفر بدون وجود نص قانونی مربوط به فعل و مجازات صحیح نیست. متأسفانه برخلاف این اصل حقوق جزا که قانونی بودن جرم و مجازات را لازم میدانند. دیوان عالی کشور بموجب رأی وحدت رویه هیئت عمومی شماره ۵۹۰ مورخ ۷۲/۱۱/۵ به قاضی

(۱) - دکتر ابوالقاسم گرجی - مقالات حقوقی جلد اول - چاپ وزارت ارشاد اسلامی ۱۳۶۵ صفحه ۲۸۸

محکمه اجازه داده است مجازاتی علاوه بر آنچه در قانون برای فعل مجرمانه پیش‌بینی شده است. تعیین نماید بموجب این رأی: مجازات‌های بازدارنده مذکور در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب هشتم مردادماه ۱۳۷۰ به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال میشود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیری مقرر در قانون برای تنبیه و تنبه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه میتواند برطبق ماده ۱۹ قانون مجازات بازدارنده را هم بعنوان متمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حد اکثر مجازات تعزیری مانع مجازات بازدارنده نمی‌باشد.

با ملاحظه ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی حبس بعنوان یکی از مجازات‌های بازدارنده شناخته شده است با توجه به استدلال هیئت عمومی دیوانعالی کشور قاضی محکمه می‌تواند مثلاً در مورد بزه سرقت موضوع ماده ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی دو فقره حبس تعیین کند، یکی مجازات اصلی و دیگری مجازات بازدارنده که چنین برداشتی چنانکه قبلاً اشاره شد با اصول قضائی مورد قبول حقوق جزای ما سازگار نیست. از این گذشته نظر شرعی امام خمینی (ره) با این رویه موافق نیست چه آنکه در جریان تدوین قانون تعزیرات بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی اختلاف نظر وجود داشت. شورای مزبور تعیین مقدار تعزیر را با موازین شرعی منافی میدانست تا اینکه موضوع از امام خمینی (ره) استفسار گردید. ایشان در پائین‌نامه آیت‌اله یزدی رئیس وقت کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس نهایتاً چنین بیان عقیده فرمودند:

در این موقع که اکثریت قاطع متصدیان امر قضا واجد شرایط شرعیه تضایق نیستند و از باب ضرورت اجازه به آنان داده شده است حق تعیین حدود تعزیر را بدون اجازه فقیه جامع‌الشرایط ندارند، بنابراین لازم است با تعیین هیئتی

مرکب از جنابعالی و جناب حجت‌السلام آقای اردبیلی و دو نفر از فقهای شورای محترم نگهبان به انتخاب فقهای شورای مزبور حدود تعزیرات را تعیین کنند که در آن چهارچوب اجازه داده شود و حق تخطی از آنرا نداشته باشند.^(۱) با تدقیق در نظریه فوق مشخص میشود که امام قدس سره نظریه تعیین حدود مجازات در تعزیرات را داشته‌اند و از این لحاظ فرقی بین مجازات بازدارنده و تعزیر بنظر نمیرسد.

۲- حبس و جزای نقدی که جزء مجازاتهای بازدارنده در ماده ۱۷ مرقوم ذکر شده است در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی یکی از مجازاتهای تعزیری شناخته شده. مشخص نیست بین آنها چه تفاوتی موجود است. بعبارت بهتر فرق بین حبس و جزای نقدی مندرج در ماده ۱۶ با حبس و جزای نقدی مندرج در ماده ۱۷ چیست؟

باتوجه به موارد گفته شده و اشکالاتی که بر مواد ۱۷ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی وارد است و با عنایت به اینکه قانونگذار در عنوان فصل «اقدامات تأمینی و تربیتی» را ذکر کرده ولی تعریفی از آن بدست نداده است، پیشنهادی که بنظر می‌رسد این است با حذف ماده ۱۷ در همان ماده و یا ماده دیگری ابتدائاً اقدامات تأمینی و تربیتی تعریف و آنگاه موارد آن دقیقاً ذکر شود تا ضمن رفع اشکالات ذکر شده، محاکم بتوانند با عنایت به اصول قضائی و مواد قانونی نسبت به صدور حکم در مصادیق مواد مزبور توفیق حاصل نمایند.

(۱)- برای توضیح بیشتر در مورد چگونگی تدوین و تصویب قانون تعزیرات ر. ک به مقاله سرگذشت تعزیرات نوشته دکتر حسین مهرپور - مجله کانون وکلا - شماره‌های ۱۴۹ - ۱۴۸ صفحه ۱۲ - ۸۷.